



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

Volume 3, Issue 5, 2024

Fair Proceedings in Security-Oriented Crimes in Iranian Criminal Law

Saeed Ayoobi Yazdi¹, Seyed Mehdi Mansouri*², Mohammad Reza Rahmat³

1. PhD Student, Department of Law, Faculty of Humanity, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanity, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanity, Meybod University, Meybod, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 311-324

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-8769-3959

TELL: +983531871000

Email: Sm_mansouri89@yahoo.com

Article history:

Received: 30 Sep 2023

Revised: 02 Nov 2023

Accepted: 06 Jan 2024

Published online: 20 Feb 2024

Keywords:

Fair Trial, Security-Oriented Crimes, Publicity of the Trial, Access to the Contents of the Case.

ABSTRACT

The interaction and balance between fair trial and security-oriented crimes is one of the important topics of discussion and disagreement. A fair trial is the trial of a person in the light of the law and with respect for the rights of citizens and is a basis for promoting the rule of law. Meanwhile, security is one of the most important categories of any political system and its preservation is one of the priorities of the legislator. The purpose of this article is fair trial in security-oriented crimes in Iranian criminal law. This article is theoretical and has been investigated using the analytical descriptive method. The findings indicate that in Iran's criminal law, many examples of fair trial have been accepted, but in crimes against security, in some cases, such as the principle of public proceedings and the lawyer's access to the contents of the case, the fair trial has faced limitations. In fact, in crimes against security, the investigator can block the access of the lawyer to the contents of the case and also in crimes disturbing public order and security, the hearing can be held in private with the opinion of the judge of the case. It is necessary to mention that public order is a general term and it is necessary to specify the concept intended by the legislator, because many crimes may be considered disruptive to public order by the judge and therefore held in private.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2024 The Authors.

How to Cite This Article: Ayoobi Yazdi, S; Mansouri, SM & Rahmat M (2024). "Fair Proceedings in Security-Oriented Crimes in Iranian Criminal Law". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 3(5): 311-324.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره سوم، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۲

دادرسی عادلانه در جرایم امنیت‌محور در حقوق کیفری ایران

سعید ایوبی یزدی^۱، سیدمهدی منصوری^{۲*}، محمدرضا رحمت^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه میبد، میبد، ایران.

چکیده

تعامل و تعادل میان دادرسی عادلانه و جرایم امنیت‌محور از موضوعات مهم محل بحث و اختلاف نظر است. دادرسی عادلانه محاکمه شخص در پرتو قانون و با در نظر داشت احترام به حقوق شهروندی و زمینه‌ای برای ترویج حاکمیت قانون است، در همین حال امنیت یکی از مقولات مهم هر نظام سیاسی است که حفظ آن از اولیتهای قانون‌گذار است. هدف مقاله حاضر دادرسی عادلانه در جرایم امنیت‌محور در حقوق کیفری ایران است. این مقاله نظری است و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به بررسی موضوع مورد اشاره پرداخته شده است. یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که در حقوق کیفری ایران، بسیاری از مصادیق دادرسی عادلانه مورد پذیرش قرار گرفته است، اما در جرایم علیه امنیت در برخی موارد، مانند اصل علنی بودن دادرسی و دسترسی وکیل به محتویات پرونده، دادرسی عادلانه با محدودیت‌هایی مواجه شده است. در واقع در جرایم علیه امنیت، بازپرس می‌تواند مانع دسترسی وکیل به محتویات پرونده شود. همچنین در جرایم مخل نظم و امنیت عمومی، جلسه دادرسی می‌تواند با نظر قاضی پرونده به صورت غیرعلنی برگزار شود. لازم به ذکر است که نظم عمومی واژه کلی است که لازم است مفهوم مورد نظر قانون‌گذار مشخص شود، زیرا بسیاری از جرایم ممکن است از نظر قاضی مخل نظم عمومی تلقی شده، لذا غیرعلنی برگزار شود.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۳۱۱-۳۲۴

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۳۹۵۹-۸۷۶۹-۰۰۰۲-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۳۵۳۱۸۷۱۰۰۰

ایمیل: Sm_mansouri89@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۸

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱

واژگان کلیدی:

دادرسی عادلانه، جرایم امنیت‌محور، علنی بودن دادرسی، دسترسی به محتویات پرونده.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

یکی از نیازهای اولیه زندگی همراه با آرامش و آسایش وجود امنیت روانی و فکری در جوامع می‌باشد که لازمه آن ثبات و امنیت در کشور است، لذا از دیرباز این مقوله مورد توجه همگان به‌خصوص حاکمان و صاحبان قدرت در جامعه بوده و تمامی آن‌ها برای برقراری آن تلاش نموده‌اند. حاکمان و وضع‌کنندگان قوانین نیز به این موضوع توجه خاص داشته و می‌توان گفت سابقه توجه آنان به این موضوع بیشتر از توجه آنان به حقوق افراد و اشخاص و یا حقوق خصوصی بوده و جرم‌انگاری جرایم علیه امنیت، مقدم بر سایر جرم‌انگاری‌ها بوده است. جرایم علیه امنیت عبارت است از ارتکاب اعمال مجرمانه که به قصد برهم‌زدن امنیت و اخلال در نظم عمومی و یا به قصد صدمه‌زدن به حیات حکومت اسلامی و ساقط کردن آن صورت می‌گیرد و آسایش عمومی زمانی تأمین خواهد شد که شئون مختلف زندگی اجتماعی در محدوده قوانین کیفری قرار گیرد و مورد حمایت قانون‌گذار واقع شود (شامبیاتی، ۱۳۹۷: ۱۲۳). جرایم علیه امنیت به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم می‌شود (جزایری، ۱۳۹۴: ۳۱). جرایم علیه امنیت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جرایم مورد توجه خاص حکام بوده و به‌علت جایگاه ویژه امنیت از طرفی و پایداری نظام‌ها از طرف دیگر برخی اوقات نگاه سخت‌گیرانه‌ای به آن شده و در برخی موارد، برخی اصول در آن نادیده گرفته شده است. حفظ امنیت کشور یکی از اهداف مهم همه نظام‌های سیاسی است. یکی از اهداف حقوق تأمین امنیت است قوانین وضع می‌شوند تا امنیت جامعه را حفظ کنند و در این میان امنیت کشور بسیار اهمیت دارد. یکی از حقوق دفاعی متهم که ممکن است تحت تأثیر جرایم امنیت‌محور نادیده گرفته شود، دادرسی عادلانه است. دادرسی عادلانه، ازجمله مهم‌ترین حقوق دفاعی متهم است. اهمیت این موضوع به مرتبه‌ای است که توجه خاص و اهتمام ویژه حقوق و جامعه بین‌المللی را به خود جلب کرده، به‌گونه‌ای که در نظام بین‌المللی حقوق بشر به‌صرف شناسایی و اعلام اصل کلی دادرسی عادلانه به‌عنوان یکی از حقوق اساسی حق بشری، اکتفا نشده و از معیارها و تضمین‌های آن سخن گفته شده است. اسناد مهم حقوق بین‌المللی حاوی چنین معیارها و

تضمین‌هایی است که دولت‌ها را به رعایت آن متعهد می‌سازد. از سوی دیگر هدف اساسی در تأمین دادرسی عادلانه حمایت از افراد در برابر محروم‌شدن خودسرانه آنان از حقوق اساسی خود، ازجمله حق بر حیات، آزادی و امنیت و برخورداری از سایر حقوق مدنی، سیاسی اقتصادی و فرهنگی است. از این‌رو مجموعه تضمین‌هایی که به‌منظور عادلانه کردن دادرسی به‌کار گرفته می‌شوند، باید با معیارهای حقوق بشر محک زده شوند. تعامل جرایم امنیت‌محور و دادرسی عادلانه از موضوعات مهمی است که محل بحث و اختلاف نظر است. یکی بر حفظ نظم و امنیت جامعه و دیگری تضمین حقوق افراد در جامعه تأکید دارد. با پیدایش پدیده‌های نوینی از بزهکاری همچون تروریسم و گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته شاهد ظهور مفهوم جدیدی در حقوق کیفری به نام حقوق کیفری امنیت‌مدار یا دشمن‌محور هستیم. در حقوق کیفری کلاسیک انسان مجرم، دشمن جامعه تلقی نمی‌شود، بلکه شخصی است که موقتاً از متعارفات جامعه خارج شده و قابل اصلاح بازپروری و بازگشت به جامعه است. از این‌رو در حقوق کیفری کلاسیک به بزهکار اعتماد می‌شود و درون جامعه حفظ می‌شود، اما در حقوق کیفری امنیت، مدار، مجرم، یک دشمن است و تأمین امنیت جامعه برخورد شدید با وی را توجیه می‌کند و بدین‌سان محدودیت دادرسی عادلانه تحت تأثیر جرایم امنیت‌مدار به موضوعی محل مناقشه و اختلاف نظر تبدیل شده است و تمرکز مقاله حاضر بررسی همین موضوع در حقوق کیفری ایران است. پژوهش‌های متعددی در زمینه جرایم امنیت‌محور انجام شده است: راضیه همراهی، محمد قنبری و جلال جعفری در مقاله‌ای به تحلیل جرم‌شناختی کارکردهای جرایم مانع در حقوق شهروندمدار و حقوق امنیت‌محور با تأکید بر حقوق کیفری ایران پرداخته‌اند (همراهی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۴۱). حسین میرمحمدصادقی و علی رحمتی نیز در مقاله‌ای، مصادیق عدول از اصول کلی حقوق کیفری در جرایم علیه امنیت را بررسی کرده‌اند (میرمحمدصادقی و رحمتی، ۱۳۹۴: ۱۷). تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به پژوهش‌های انجام‌شده این است که هدف مقاله حاضر بررسی دادرسی عادلانه در جرایم امنیت‌محور در حقوق کیفری ایران است.

برجسته‌ترین آن‌ها است، شناخته می‌شود» (ساقیان، ۱۳۹۳: ۱۰۷).

عدالت اصولاً جنبه‌های مختلف فلسفی، اخلاقی و حقوقی دارد، اما آنچه مسلم است، ارزیابی میزان تحقق عدالت در فرآیندهای مربوط به اداره امور اجتماعی، مستلزم ملاک‌ها و معیارهای معینی است. فرآیند دادرسی نیز، برای آنکه عادلانه تلقی شود، باید وصف عینی به خود بگیرد، البته این مهم تنها با اقدامات قضایی قابل‌دستیابی نیست، بلکه برخی شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... برای حمایت قضایی جهت نیل به محاکمه‌ای معین و منصفانه لازم است. گروه‌ها و جوامع گوناگون بشری ممکن است درباره معین و منصفانه بودن دادرسی دیدگاه‌ها و نظریه‌های متفاوتی داشته باشند، لیکن به‌رغم این تفاوت‌ها برخی نظریه‌های روشن درباره معین و منصفانه بودن دادرسی به نوعی همگرایی و وفاق عمومی نسبت به معیار قضایی برای محاکمه معین و منصفانه حاصل گردیده است. دادرسی عادلانه یکی از حقوق بنیادین بشری محسوب شده که در اکثر اسناد بین‌المللی نیز بدان اشاره شده است. تعریف جامعی از دادرسی عادلانه به‌صورت آکادمیک وجود ندارد، ولی می‌توان این‌گونه تعریف کرد که: «دادرسی عادلانه عبارت است از رسیدگی به دعاوی در یک مرجع قانونی، بی‌طرف، مستقل و با رعایت کلیه حقوق طرفین» (میرزاجانی، ۱۳۹۳: ۹۸).

۱-۲- عناصر دادرسی عادلانه

برای این‌که یک دادرسی، عادلانه باشد، باید آن دادرسی مقید به یک‌سری شرایط، اوضاع و احوال باشد تا عنوان عادلانه بر آن صدق کند، از جمله لوازم یک دادرسی عادلانه به شرح زیر است: ۱- علنی بودن محاکمه متهم چه وی متهم به یک جرم سبک باشد و چه جرم سنگینی به وی نسبت داده شده باشد. علنی بودن دادرسی یکی از عناصر دادرسی منصفانه تلقی می‌شود (مولی، ۲۰۰۶: ۲۱). از علنی بودن دادرسی دو معنا قابل برداشت است: نخست این‌که همگان بتوانند در جریان جلسه دادرسی قرار گرفته و در صورت لزوم در جلسه دادرسی حضور پیدا کنند؛ معنای دوم این‌که رأی صادر شده و اسناد و مدارکی که براساس آن‌ها، رأی صادر شده است، در اختیار

سؤال اساسی که مطرح و در این مقاله بررسی می‌شود، این است که دادرسی عادلانه تا چه اندازه در جرایم امنیت‌محور در حقوق کیفری ایران محدود شده و اساساً در جرایم امنیت‌محور، دادرسی عادلانه چه جایگاهی دارد؟ به‌منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا، دادرسی عادلانه بررسی شده، سپس برخی از مصادیق جرایم علیه امنیت مورد بررسی قرار گرفته و در ادامه برخی از مؤلفه‌های دادرسی عادلانه که تحت تأثیر جرایم علیه امنیت محدود شده، تبیین و تحلیل شده است.

۱- دادرسی عادلانه

در این قسمت به بررسی دادرسی عادلانه پرداخته می‌شود.

۱-۱- مفهوم دادرسی عادلانه

دادرسی عادلانه مشتمل بر مجموعه اصول و قواعدی است که نحوه رفتار با یک فرد را در برابر مقامات قضایی در مراحل مختلف آن مشخص می‌کند. وقتی که فردی توسط حکومت متهم به ارتکاب جرمی می‌شود و وی در معرض خطر محرومیت از آزادی و دیگر تحریمات قرار می‌گیرد، حق دادرسی عادلانه تضمین اساسی است درجهت اطمینان‌بخشیدن به این‌که افراد به‌صورت غیرقانونی و ناعادلانه مجازات نمی‌شود. «دادرسی عادلانه یکی از معروف‌ترین، محبوب‌ترین و مهم‌ترین حقوق انسان‌ها در فرآیند دادرسی است که در جریان تحول تمدن حقوقی بشر پدید آمده است. دادرسی عادلانه دارای مفهومی حقوقی است که در مباحث حقوق بشری موقعیت برجسته‌ای دارد. اگر متهمی به‌طرز عادلانه‌ای محکوم نگردد، آنچه بیش از همه او را محکوم می‌نماید، خود محکوم است. وقتی فردی توسط حکومت متهم به ارتکاب جرمی می‌شود، در معرض خطر محرومیت از آزادی و دیگر تحریمات قرار می‌گیرد که در این صورت حق دادرسی عادلانه تضمینی اساسی است درجهت اطمینان‌بخشیدن به این‌که متهم به‌صورت غیرقانونی و ناعادلانه محاکمه و مجازات نگردد. حق برخورداری از دادرسی عادلانه به‌عنوان یک هنجار بین‌المللی حقوق بشر برای حمایت از افراد در برابر محروم کردن یا محدود کردن غیرقانونی و خودسرانه افراد از آزادی و حقوق اساسی ایشان که حق حیات و آزادی از

به اقرار از مهم‌ترین اصول و قواعد دادرسی عادلانه می‌باشد. علاوه بر این، یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین اصول حاکم بر دادرسی منصفانه حق دسترسی است که این حق در قوانین نظام‌های دادرسی مترقی گنجانیده و بدون هیچ‌گونه محدودیتی، در تمامی مراحل فرآیند رسیدگی به پرونده اعمال می‌گردد (احسان‌پور و قلی‌پور جمنانی، ۱۳۹۸: ۱۴۲-۱۲۰).

۲- جرایم علیه امنیت و محدودیت‌های آن برای دادرسی عادلانه

در این قسمت به بررسی جرایم علیه امنیت و محدودیت‌های آن برای دادرسی عادلانه پرداخت می‌شود.

۲-۱- جرایم علیه امنیت

یکی از جرایم شناخته‌شده در قانون مجازات اسلامی که مخل امنیت جامعه به‌شمار می‌رود، محاربه است. تا قبل از انقلاب اسلامی محاربه در جرایم وجود نداشت و فقط بحث مفسدین علیه امنیت داشتیم که مجازات آن اعدام بود (مجیدی، ۱۳۸۶: ۱۰۵). رکن مادی جرم محاربه کشیدن سلاح و رکن معنوی آن قصد تعرض به جان، مال و ناموس مردم است. جنبه عمومی در تحقق جرم محاربه ضروری است و اگر عمل مرتکب جنبه عمومی نداشته و صرفاً هدف وی بر روی شخص خاصی باشد، محاربه به‌شمار نمی‌رود. صرف کشیدن سلاح مصداق جرم محاربه نمی‌باشد و مرتکب باید هدفی خاص (تعرض به جان و مال و ترساندن مردم) داشته باشد. کشیدن سلاح مستلزم استفاده عملی از آن نمی‌باشد، یعنی در صورتی که مرتکب با هدف برهم‌زدن امنیت جامعه، سلاح خود را بکشد، ولی از آن هیچ استفاده‌ای نکند، مصداق جرم محاربه است. همچنین برهم‌زدن امنیت از طریق سرقت مسلحانه نیز جرم محاربه محسوب می‌شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۵۹). مطابق ماده ۲۸۰ قانون مجازات اسلامی، فرد یا گروهی که برای دفاع و مقابله با محاربان دست به اسلحه ببرد، محارب نیست. مجازات محاربه در قانون مجازات اسلامی بسیار شدید و اعدام است.

از دیگر جرایم علیه امنیت جامعه، افساد فی الارض می‌باشد. مستند جرم افساد فی الارض ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی است. «قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی مصوب سال

عموم قرار گیرد. علنی‌بودن رسیدگی‌ها متضمن نظارت مستمر همگانی بر روند رسیدگی‌ها و اعمال مراجع حل اختلاف و اطلاع عموم از صحت و سقم رسیدگی‌ها و تصمیمات آن مراجع و در نتیجه الزام مراجع به دقت در عمل به وظایف خود و رعایت حقوق افراد در رسیدگی منصفانه می‌باشد (هاشمی، ۱۳۸۲: ۴۰۹). ماده ۱۳۶ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸، به علنی‌بودن دادرسی تصریح نموده بود، ولی در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۹، اشاره‌ای به آن دیده نمی‌شود. با وجود این، تکلیف علنی‌بودن دادرسی در اصل ۱۶۵ قانون اساسی منصوص گردیده و این ویژگی بنیادی دادرسی‌ها در حقوق ما از ارزش حقوق اساسی برخوردار است. اصل اخیر در این باره مقرر می‌دارد: «محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است، مگر آنکه به تشخیص دادگاه علنی‌بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.» علنی‌بودن نتیجه دادرسی را می‌توان از واژه «محاکمات» استنباط کرد (غمامی و محسنی، ۱۳۹۲: ۲۶۴-۲۶۵).

۲- آگاه‌شدن فرد از اتهامی که به وی نسبت داده شده است و دلایل اتهام.

۳- حق آگاه‌شدن فرد متهم از حقوقی که دارا می‌باشد، نظیر حق سکوت، حق داشتن وکیل و ...

۴- داشتن وکیل و دخالت او در کلیه مراحل دادرسی خصوصاً تحقیقات.

۵- حاکم‌بودن اصل برائت بر کلیه فرآیند محاکم و عدم عدول از آن.

۶- بدیهی است که هر کدام از موارد فوق برای آنکه به‌عنوان یکی از شرایط دادرسی عادلانه محسوب شوند، هر کدام دارای توجیهات و استدلال‌های مربوط به خود می‌باشند، در کل تساوی اشخاص در برابر قانون، قانونی‌بودن جرایم و مجازات‌ها، محاکمه علنی و منصفانه در دادگاه صالح، مستقل و بی‌طرف، حق دفاع توسط متهم و یا وکیل مدافع، حاکمیت اصل برائت، تفهیم اتهام، حق اطلاع از دستگیری، منع اجبار

امنیت جامعه هستند. مطابق ماده ۴۹۸ قانون مجازات بخش تعزیرات: «هرکس با هر مرامی، دسته، جمعیت یا شعبه جمعیتی بیش از دو نفر در داخل یا خارج از کشور تحت هر اسم یا عنوانی تشکیل دهد یا اداره نماید که هدف آن برهم‌زدن امنیت کشور باشد و محارب شناخته نشود، به حبس از دو تا ده سال محکوم می‌شود.» همچنین براساس ماده ۴۹۹ قانون مجازات بخش تعزیرات: «هرکس در یکی از دسته‌ها یا جمعیت‌ها یا شعب جمعیت‌های مذکور در ماده ۴۹۸ عضویت یابد، به سه ماه تا پنج سال حبس محکوم می‌گردد، مگر این‌که ثابت شود از اهداف آن بی‌اطلاع بوده است.» در ماده ۴۹۸ از اصل مادی بودن جرم عدول شده است. مقصود از مادی بودن جرایم این می‌باشد که باید برای تحقق یک جرم، مرتکب ضرری را وارد آورده جرم (تام) یا لاقلاً اعمالی انجام دهد که مستقیماً به ضرر منتهی شود (شروع به جرم) (یوسف‌لو و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۶-۵۱)، اما در ماده مورد اشاره، جرم‌انگاری صرفاً در مرحله قصد مجرمانه‌ای است که برای تحقق آن هیچ اقدام عملی را انجام نداده است.

همچنین در قانون مجازات اسلامی در فصل اول کتاب پنجم، یعنی کتاب تعزیرات و مجازات بازدارنده، ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی به جرم تبلیغ علیه نظام اشاره کرده است و این ترتیب و اولویت نشان‌دهنده اهمیت موضوع از دید قانون‌گذار است. متن ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی بدین شرح است: «هرکس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید، به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم می‌شود.» در صدر ماده ۵۰۰ قانون اشاره به هرکس با صور عمومی شده است، یعنی هرکس شامل افراد با شخصیت حقیقی موضوع و فاعل جرم در نظر گرفته شده و اشخاص حقوقی از مضمون ماده خارج هستند و در صورت ارتکاب جرم توسط اشخاص حقوقی لاجرم طبق نص صریح ماده فوق‌الاشعار، مدیران و مسؤولان اشخاص حقوقی مشمول مجازات خواهند بود و درخصوص ابقای فعالیت اشخاص حقوقی، سخنی در این ماده به میان نیامده است (حبیب‌زاده، ۱۳۹۰: ۷۸).

جاسوسی و جرایم وابسته به آن از دیگر جرایم علیه امنیت ملی است. اولین مصداق جاسوسی در حقوق کیفری ایران

۱۳۹۲ ماده ۲۸۶ و تبصره آن را به جرم افساد فی الارض تخصیص داده و مجازات اعدام را برای مرتکبان این جرم تعیین نموده است. در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ برخلاف قانون مجازات اسلامی قبل که محاربه و افساد فی الارض را در باب هفتم با هم و همراه هم آورده بود، در بخش دوم جرایم موجب حد، این دو جرم را صراحتاً از هم جدا و تفکیک کرده و در دو فصل مجزا آورده است. پس این خود نتیجه‌ای بر جدایی جرم افساد فی الارض از محاربه می‌باشد. با توجه به متن ماده ۲۸۶ مشخص می‌شود که دامنه این جرم بسیار گسترده است و بسیاری از مجرمان را می‌توان تحت شمول آن قرار داده و مفسد فی الارض محسوب کرد، به‌ویژه از آن‌رو که واژه‌های گسترده، شدید عمده و وسیع که در ماده به کار رفته‌اند، تعریف دقیق و روشنی ندارند و هر قاضی ممکن است تعریف خاص خود را از آن‌ها داشته باشد» (جانی‌پور و قریب، ۱۳۹۶: ۲۵۸-۲۳۷). «جرم ارتكابی حتی بدون وجود قصد اخلاص گسترده ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده و ... که در تبصره مورد اشاره قرار گرفته است نیز قابل مجازات می‌باشد و این‌که عمل مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، اساساً قابل تصور نیست» (رضانی، ۱۳۹۲: ۵۰).

جرم بغی مانند محاربه و افساد فی الارض در زمره جرایم علیه امنیت قرار دارد و هدف اصلی آن اساس جمهوری اسلامی می‌باشد. عنصر قانونی این جرم ماده ۲۸۷ قانون مجازات اسلامی می‌باشد و طبق این ماده گروهی که در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران، قیام مسلحانه کند، باغی محسوب می‌شود. رکن مادی جرم بغی، قیام مسلحانه و رکن معنوی آن قصد براندازی و مقابله با نظام است. صرف مخالفت و تظاهرات گروهی، ولو با استفاده از سلاح بدون این‌که قصد براندازی حکومت باشد، مصداق جرم بغی نمی‌باشد.

علاوه بر این، تشکیل یا اداره یا عضویت در دسته یا جمعیت به قصد برهم‌زدن امنیت کشور از دیگر جرایم علیه امنیت ملی است. مستند این جرم مواد ۴۹۸ و ۴۹۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات می‌باشد که در زمره جرایم علیه

آن‌ها را به میز محاکمه کشانده و محاکمه می‌نمایند» (آخوندی، ۱۳۹۲: ۴۵). «البته ممکن است نتیجه دادگاه به ضرر حکومت باشد که سری بودن محاکمات مانع افزایش حقیقت شده و حتی ممکن است که موجب بی‌اعتمادی به حکومت و انحراف دولت گردد. علنی بودن محاکمات می‌تواند جنبه ارشادی نیز داشته باشد، به این ترتیب که با مشاهده و یا اطلاع از احکام قاطع و عبرت‌آموز و ترس از عقوبت تمرد از قوانین و تجاوز به حقوق دیگران را به‌نحو قابل توجهی تقلیل می‌دهد و در واقع علنی بودن دادرسی مخصوصاً در امور جزایی وسیله‌ای است برای نظارت عمومی بر محاکم و تضمین رعایت حقوق افراد و انجام محاکمه به‌طور مخفیانه و در اطاق بسته، نگرانی عدم رعایت صحیح قانونی و اجرای تضمینات لازمی برای احقاق حقوق اصحاب دعوا و متهمین را دربر دارند. از این رو غیرعلنی بودن محاکمات امر استثنایی است» (هاشمی، ۱۳۸۸: ۵۰۲) که در موارد خاص با تصمیم دادگاه امکان‌پذیر است. اصل علنی بودن دادرسی مانند سایر اصول مهم دادرسی‌های کیفری علاوه بر قانون اساسی در قوانین عادی نیز پیش‌بینی شده است.

۲-۱-۱- ایجاد استثنائات بر علنی بودن دادرسی

«قانون اساسی با در نظر گرفتن پاره‌ای ملاحظات قابل قبول، بر علنی بودن محاکمات استثنائاتی وارد نموده است. یکی از موارد استثناء بر دادرسی علنی به‌موجب اصل ۱۶۵، نظم عمومی است. نظم عمومی مدلول مقرراتی است که در آن، ذات، حیثیت و منافع مادی و معنوی جامعه باید مورد حمایت جدی قرار گیرد و در صورت برهم‌خوردن، آن‌ها وجدان جامعه جریحه‌دار می‌شود. باتوجه به این تعریف، دریافت می‌شود که مفهوم نظم عمومی مفهومی کلی است» (هاشمی، ۱۳۸۶: ۷۱۱)، «زیرا وقوع هر جرمی به نظم عمومی لطمه وارد می‌کند و در نتیجه قاضی می‌تواند به عذر این‌که بر پایی علنی محاکمه در جرمی خاص منافی نظم عمومی است، دادگاه را به‌صورت غیرعلنی برگزار کند، پس برای جلوگیری از تضییع حقوق طرفین دعوا، قانون‌گذار عادی باید ملاک و معیار مشخص و دقیقی برای نظم عمومی مشخص نماید. به‌نظر می‌رسد در ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری از مصادیق امنیت عمومی برای تبیین حدود و ثغور نظم عمومی استفاده

می‌تواند بزه موضوع ماده ۵۰۵ قانون مجازات اسلامی باشد. در این ماده قانونی آمده است: «هرکس با هدف برهم‌زدن امنیت کشور به هر وسیله اطلاعات طبقه‌بندی‌شده را با پوشش مسؤولین نظام یا مأمورین دولت یا به‌نحو دیگر جمع‌آوری کند، چنانچه بخواهد آن را در اختیار دیگران قرار دهد و موفق به انجام آن شود، به حبس از دو تا ده سال و در غیر این صورت، به حبس از یک تا پنج سال محکوم می‌شود.» اطلاعات طبقه‌بندی‌شده‌ای را که مورد نظر قانون‌گذار می‌باشد، باید براساس ماده نخست آیین‌نامه طرز نگهداری اسناد سری و محرمانه دولتی مصوب ۱۳۵۴ هیأت وزیران تفسیر نمود. پذیرش فعل مثبت از جهت داشتن قابلیت لازم برای تحقق اکثر جرایم هیچ‌گاه مورد تردید نبوده، لیکن ممکن است تحقق برخی از اعمال مثبت به‌عنوان مصداقی از یک عنوان مجرمانه، موکول به تحصیل شرایطی گردد (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵: ۲۲-۱۸).

تسلیم اطلاعات طبقه‌بندی‌شده به افراد فاقد صلاحیت براساس مواد ۵۰۵ ق.م.ا و بند «ب.م.» ۲۴ ق.م.ن.م، در حقوق کیفری ایران به‌عنوان یکی از مصادیق جاسوسی معرفی شده است. سیاست کیفری ایران در زمینه موضوع این جرم به تصریح ۵۰۵ ق.م.ا و محدود به اطلاعات، اسناد و مذاکرات شده است (هدایتی چنانی، ۱۴۰۰: ۱۱۱-۹۹).

۲-۲- تأثیر جرایم امنیت‌محور برای دادرسی عادلانه

در این قسمت به بررسی محدودیت جرایم امنیت‌محور برای دادرسی عادلانه پرداخته می‌شود.

۲-۲-۱- محدود شدن علنی بودن دادرسی

در این قسمت تلاش شده به بررسی دادرسی عادلانه در جرایم امنیت‌محور پرداخته شود. «اعتقاد به این اصل که عدالت باید دیده شود تا جاری گردد. اصلی بنیادین برای نظام‌های حقوقی است. مردم حق حضور در دادگاه را دارند. یکی از تضمینات مهم امنیت قضایی علنی بودن دادرسی است. منظور از علنی بودن جلسه دادرسی این است که افراد جامعه بتوانند آزادانه در جلسات دادگاه حاضر شوند و چگونگی جریان آن را از نزدیک ببینند و به اجرای دقیق قوانین بی‌نظر بودن دادرسان و وجود عدالت واقعی قضایی اطمینان خاطر پیدا کنند. برخی حکومت‌ها برای سرکوب مخالفان خود

کرده است. با این حال، مقنن نه‌تنها ابهام را رفع نکرده، بلکه قلمروی آن را به احساسات مذهبی گسترش داده است. امنیت عمومی و احساسات مذهبی اصطلاحاتی کلی هستند و درخصوص هر پرونده ممکن است ابعاد متفاوتی داشته باشند» (خالقی، ۱۳۸۷: ۴۷). «در این موارد به سبب آنکه استثنائی بر علنی‌بودن دادرسی هستند، باید به قدر متیقن و مضیق تعریف شوند، یعنی در مواردی که تردید وجود دارد درخصوص شمول یا عدم شمول آن‌ها، اصل بر عدم شمول در استثنائات است. در هر حال باید متذکر شد که در مورد این دسته از جرایم، زیان برگزاری علنی دادرسی بیش از منافع آن است، زیرا رسیدگی به برخی از این جرایم مثلاً جاسوسی، گاه مستلزم طرح و بررسی اطلاعات طبقه‌بندی‌شده مربوط به کشور است که آگاهی عموم از آن‌ها به صلاح حفظ و نگهداری آن اطلاعات نیست» (خالقی، ۱۳۸۷: ۴۷).

۲-۲-۱-۲- خألأ حق اعتراض به علنی‌نشدن دادرسی

درخصوص ضمانت اجرای اصل علنی‌بودن دادرسی‌ها، قبل از سال ۱۳۸۵، نص خاصی در قوانین وجود نداشت و به این دلیل، برخی حقوقدانان، اعتقاد داشتند باتوجه به این‌که اصل علنی‌بودن جلسه دادرسی تضمینی، جهت قضاوت‌شوندگان شمرده می‌شود تا در پرتو کنترل افکار عمومی، به‌طور شفاف مورد قضاوت قرار گیرند، می‌توان آن را از اصول دادرسی و قواعد آمره و حقوق اصحاب به درجه‌ای از اهمیت به‌شمار آورد که عدم توجه به آن، رأی را از اعتبار قانونی بیندازد. بنابراین فسخ یا نقض رأی به‌جهت مزبور، قابل دفاع می‌باشد. علاوه‌بر این در صورتی‌که تصمیم دادگاه درخصوص علنی یا سری‌بودن محاکمه، باتوجه به محتویات پرونده و سایر ادله، مخالفت با نصوص مزبور داشته باشد، ممکن است آن را با توجه به حکم کلی ماده ۲۰ «نظام‌نامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات و تعیین مجازات آن‌ها» مصوب ۱۳۰۴ هیأت وزرا، تخلف انتظامی به‌شمار آورد، ولی تبصره ۵ الحاقی به ماده ۱۸۸ آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در مورخه ۱۳۸۵/۳/۲۴ مقرر داشت: «هریک از مقامات قضایی یا اجرایی که از تکلیف موضوع این ماده، تخلف نماید یا به‌نحوی از انحاء مانع از اجرای آن گردد، به مجازات مقرر در ماده ۵۷۶ قانون مجازات اسلامی، محکوم خواهد

شد.» با این‌که احراز شرایط غیرعلنی‌بودن محاکمه، امری موضوعی و موکول به تشخیص قاضی است، اما اهمیت و جایگاه والای اصل علنی‌بودن دادرسی - که در قانون اساسی کشورمان مورد تأکید قرار گرفته است - ایجاب می‌کند که نقض و محدودساختن آن، کاملاً جنبه استثنایی داشته و تمسک قاضی به این استثنا نیز قابل کنترل باشد (خالقی، ۱۳۸۸: ۴۹-۲۹). بنابراین بهتر بود، قضات، ملزم به صدور قرار غیرعلنی‌بودن و توجیه قانونی آن می‌شدند و افراد، این حق و فرصت را پیدا می‌کردند که با اعتراض به آن قرار، دادرسی را متوقف کرده یا روند دادرسی را نقض کنند تا قضات به‌راحتی نتوانند جلسه دادرسی را غیرعلنی اعلام کنند. مجدداً اضافه می‌گردد با اجرایی‌شدن قانون جدید این مانع برطرف می‌شود. به‌نظر می‌رسد مواد ۵۷۰ (۸۰۱) و ۵۹۷ (۸۲۸) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، نیز می‌تواند به‌عنوان نوعی ضمانت اجرایی این اصل تلقی شود. در ماده ۵۷۰ (۸۰۱) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، آمده است: «هریک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید، علاوه‌بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج‌سال از مشاغل حکومتی به حبس از دوماه تا سه‌سال محکوم خواهد شد.» در ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، هم آمده است: «هریک از مقامات قضایی که شکایت و تظلمی مطابق شرایط قانونی نزد آن‌ها برده شود و باوجود این‌که رسیدگی به آن‌ها از وظایف آنان بوده، به هر عذر و بهانه، اگرچه به عذر سکوت یا اجمال یا تناقض قانون از قبول شکایت یا رسیدگی به آن امتناع کند یا صدور حکم را برخلاف قانون به تأخیر اندازد یا برخلاف صریح قانون رفتار کند، دفعه اول از شش‌ماه تا یک‌سال و در صورت تکرار به انفصال دائم از شغل قضایی محکوم می‌شود و در هر صورت به تأدیه خسارات وارده، نیز محکوم خواهد شد.» استدلال این است که اصل علنی‌بودن دادرسی‌ها یکی از حقوق مقرر در قانون اساسی است و برگزاری غیرعلنی محاکمات، در غیر مواردی که قانون اجازه دادرسی غیرعلنی را داده است، مشمول آن ماده خواهد بود. از طرف دیگر، به‌دلیل تصریح قوانین به لزوم علنی‌بودن محاکمات، عمل

برخلاف آن، خلاف صریح قانون بوده و مشمول ماده ۸۲۸ خواهد بود.

۲-۲-۲- تأثیر جرایم امنیت‌محور برای حق وکیل و متهم در دسترسی به محتویات پرونده

در این قسمت به بررسی محدودیت جرایم امنیت‌محور برای حق وکیل و متهم در دسترسی به محتویات پرونده می‌پردازیم.

۲-۲-۲-۱- قرار عدم دسترسی به اوراق پرونده از سوی بازپرس

طبق ماده ۳۵۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، «شاکای یا مدعی خصوصی و متهم یا وکلای آنان می‌توانند با مراجعه به دادگاه و مطالعه پرونده، اطلاعات لازم را تحصیل نمایند و با اطلاع رییس دادگاه، به هزینه خود از اوراق مورد نیاز، تصویر تهیه کنند.» با این وجود، وفق تبصره ذیل این ماده، «دادن تصویر از اسناد طبقه‌بندی‌شده و اسناد حاوی مطالب مربوط به تحقیقات جرایم منافی عفت و جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی ممنوع است.» برابر ماده ۱۹۱ این قانون «چنانچه بازپرس، مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق، اسناد، یا مدارک پرونده را با ضرورت کشف حقیقت، منافی بداند یا موضوع از جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور باشد، با ذکر دلیل، قرار عدم دسترسی به آن‌ها را صادر می‌کند. این قرار حضوری به متهم یا وکیل وی ابلاغ می‌شود و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. دادگاه مکلف است در وقت فوق‌العاده، به اعتراض رسیدگی کند و تصمیم‌گیری کند.» ملاحظه می‌گردد که قانون‌گذار بدون هیچ‌گونه محدودیتی، اخذ رونوشت و یا روگرفت از اوراق و مندرجات پرونده را پذیرفته است، «لیکن در ادامه با وضع تبصره که به‌موجب آن مقرر گشته است، دادن تصویر از اسناد طبقه‌بندی‌شده و اسناد حاوی مطالب مربوط به تحقیقات جرایم منافی عفت و جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی ممنوع است، سه دسته از اسناد و اوراق را از شمول حکم مندرج در ماده مستثنی نموده است» (محمدی‌زاده کرمانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۴: ۵).

«با عنایت به ماده ۳۵۱ قانون آیین دادرسی کیفری مذکور، متهم علی‌الاصول حق دسترسی و مطالعه اوراق پرونده کیفری را دارد، لیکن چنانچه بازپرس، مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق پرونده، اسناد یا مدارک موجود در

پرونده کیفری را با ضرورت کشف حقیقت منافی بداند یا موضوع پرونده، از جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور باشد، با ذکر دلیل، قرار عدم دسترسی به اوراق پرونده را صادر نماید» (ساقیان، ۱۳۹۳: ۱۳۶-۱۱۳).

بنابراین به جزء در مواردی که موضوع مربوط به امنیت داخلی یا خارجی کشور باشد و یا دسترسی به اوراق پرونده منافی با کشف حقیقت باشد، آن‌هم در مواردی که بازپرس، با ذکر دلیل موجه، قرار عدم دسترسی به تمام یا برخی از اوراق پرونده کیفری را صادر نماید، متهم و یا وکیل وی، حق مطالعه پرونده و دسترسی به اوراق پرونده کیفری را خواهند داشت.

«حق دسترسی متهم و وکیل او به صراحت در ماده ۱۹۱ اعلام نشده است، ولی باتوجه به این‌که در این ماده قرار عدم دسترسی به پرونده توسط متهم و وکیل او قابل اعتراض شناخته شده است، پس معلوم می‌شود که متهم و وکیل او از حق دسترسی به پرونده برخوردارند که بازپرس می‌تواند با صدور یک قرار آن را ممنوع نماید» (مهاجری، ۱۳۹۹: ۱۴۳).

«حق دسترسی متهم و وکیل او در ماده ۱۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری به صراحت بیان نشده، ولی باتوجه به این‌که در این ماده قرار عدم دسترسی توسط متهم و وکیل او قابل اعتراض شناخته شده، پس به دلالت التزامی معلوم می‌شود که متهم و وکیل او از حق دسترسی به پرونده برخوردارند که بازپرس می‌تواند با صدور یک قرار آن را ممنوع کند، دو حق متهم و وکیل او مطالعه و دسترسی به اوراق اسناد و مدارک پرونده است، اصولاً مطالعه اوراق پرونده مستلزم دسترسی به آن‌هاست، ولی با تفکیک صورت‌گرفته در قسمت اول متن ماده که طبق آن بازپرس می‌تواند یا مطالعه آن اوراق یا دسترسی به آن را ممنوع سازد، معلوم می‌شود که دسترسی یعنی در اختیارداشتن، بنابراین مانعی ندارد که متهم یا وکیل او بتواند و هزینه خود از اوراق پرونده کپی بگیرد و رونوشت داشته باشد» (ساقیان، ۱۳۹۳: ۱۳۶-۱۱۳).

درخصوص حق وکیل و متهم در دسترسی به محتویات پرونده چند نکته مهم است:

تساوی سلاح‌ها و ترافی‌شدن مرحله تحقیقات مقدماتی نشان می‌دهد (زراعت، ۱۳۸۲: ۱۶۱).

تبصره ۱ ماده ۱۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری است که بر مبنای آنچه درخواست شاکی برای مطالعه پرونده و دسترسی به مدارک آن منابع به‌ضرورت کشف حقیقت باشد، بازپرسی قرار رد درخواست شاکی را صادر می‌کند، اگرچه قبلاً این دیدگاه وجود داشت که چون متهم حق مطالعه پرونده کیفری را ندارد، شاکی نیز چنین حقی ندارد (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۴: ۱۳۸)، ولی باتوجه به قانون آیین دادرسی کیفری یکسانی حقوق شاکی و متهم در دسترسی به پرونده سیاست قانون‌گذار قرار گرفته است و به‌طور مستدل و مستند عدم دسترسی مورد تصمیم قضایی قرار می‌گیرد.

۳- قرار عدم دسترسی به پرونده تصمیمی است که به‌موجب آن ممنوعیت دسترسی متهم به تمام یا بعضی از اوراق پرونده در مرحله تحقیقات مقدماتی اعلام می‌شود و این قرار موجب محدودشدن دسترسی متهم به پرونده بوده و محدودکردن شاکی برای دسترسی به برخی اوراق مستلزم صدور قرار عدم دسترسی نخواهد بود، بلکه موجب صدور قرار رد درخواست شاکی است، قرار عدم دسترسی به پرونده به‌عنوان تصمیم محدودکننده مراجعه متهم به اوراق پرونده، درخصوص مرحله تحقیقات مقدماتی است و تفاوتی نمی‌کند که چه مرجعی متکفل انجام مرحله تحقیقات مقدماتی باشد.

۴- پیش‌بینی قرار عدم دسترسی به پرونده در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ را باید نشانه حرکت قانون‌گذار از سیستم تفتیشی به‌سوی سیستم اتهامی دانست. در رسیدگی تفتیشی، اصل عدم امکان دسترسی متهم به دلایل و تحقیقات انجام‌شده به‌منظور جلوگیری از بی‌اثرشدن تحقیقات مقدماتی است، اما پس از آنکه دلایل و مدارک و تحقیقات کامل شد با صدور کیفرخواست و طرح پرونده در دادگاه هریک از طرفین، ازجمله متهم می‌تواند با مراجعه به دفتر دادگاه پرونده را مطالعه کند، یعنی در سیستم اتهامی که مبنای رسیدگی دادگاه است، حق طرفین در مطالعه پرونده یکسان است. در قانون آیین دادرسی کیفری اصل بر آن

۱- «در سه مورد متهم و وکیل او را از مطالعه و دسترسی به پرونده ممنوع سازد؛ طبق تبصره ۳ ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری در جرایم منافی عفت و جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و سایر پرونده‌ها، چنانچه مطالعه یا در رسیدگی به پرونده منافی با ضرورت کشف حقیقت باشد، در این موارد ممنوعیت دسترسی به پرونده منافاتی با ضرورت کشف حقیقت باشد، در این موارد ممنوعیت دسترسی به پرونده باید با صدور قرار موجه و مستدل از سوی بازپرس صورت گیرد، ضمن این‌که در دو مورد اول هیچ قیدی نداشته و بازپرس و فقط مکلف به استدلال درجهت منافی کشف‌کردن جرم یا برضد امنیت داخلی یا خارجی بودن آن است. بدیهی است که دفاع از متهم بدون دسترسی به پرونده امری دشوار و ضربه‌ای بزرگ به‌حق دفاع محسوب می‌شود، درصورت صدور قرار عدم دسترسی به پرونده این ممنوعیت فقط تا پایان مرحله تحقیقات مقدماتی خواهد بود و با ارسال پرونده به دادگاه این امر مرتفع می‌شود» (خالقی، ۱۳۹۳: ۱۵۶-۱۵۵).

۲- طبق نظر برخی از حقوقدانان (خالقی، ۱۳۹۳: ۳۸۰-۳۷۸)، در مورد ماده ۱۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری قرار عدم دسترسی به پرونده تصمیمی است که به‌موجب آن دسترسی متهم به تمام یا بعضی از اوراق پرونده در مرحله تحقیقات مقدماتی اعلام می‌شود که به‌عنوان تصمیم محدودکننده برای متهم اوراق پرونده است.

در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اصل بر آن دانسته شده است که متهم حق دارد تمام یا بعضی از مدارک پرونده را در مرحله تحقیقات مقدماتی ملاحظه کند و حق دسترسی به آن‌ها را برای او آزاد دانسته و اگر بازپرس بخواهد این حق را از او سلب کند که باید قرار عدم دسترسی صادر کند و متهم نیز می‌تواند به این تصمیم بازپرس اعتراض کند، اصل غیرترافی بودن تحقیقات مقدماتی یکی از اصول آیین دادرسی کیفری ایران مطرح شده و مورد بحث و بررسی قرار گرفت، رفته است، اما مقررات مواد ۱۰۰، ۱۹۰ و ۱۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری جدید حرکت قانون‌گذار ایران را به‌سمت

پرونده را ممنوع کند، بنابراین تبصره مذکور فسادآور بوده و زمینه سوءاستفاده قضات را از قانون فراهم آورده است که باید به نحوی که تأمین کننده حق دفاع طرفین دعوی باشد، توسط قانون گذار تغییر داده شود (سفیدپری، ۱۳۹۳: ۴۲-۴۱).

۲-۲-۲-۲- ابهام در محدوده زمانی قرار عدم دسترسی به پرونده

یکی دیگر از ابعاد قرار عدم دسترسی به پرونده که زوایای مبهمی دارد، محدوده زمانی آن است. در همین راستا از اداره کل حقوقی قوه قضاییه سؤال شده است: آیا قرار عدم دسترسی را که در ماده ۱۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ذکر شده است، می توان تا پایان تحقیقات در دادسرا صادر نمود؟ یا این که باید مقید به زمان معین مثلاً یک هفته یا یک ماه باشد؟ این اداره به موجب نظریه مشورتی شماره ۷/۹۴/۷۷۷ مورخ ۱۳۹۴/۰۳/۳۱ در پاسخ اعلام داشته است: صرف نظر از این که صدور قرار «عدم دسترسی به اوراق پرونده و مدارک منضم به آن» از ناحیه بازپرس به نحوی که در ماده ۱۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ آمده، قابل اعتراض از ناحیه ذی نفع می باشد، لکن از اطلاق ماده، استنباط می گردد که این قرار مقید به زمان محدود نمی باشد و تا تکمیل تحقیقات ادامه خواهد داشت، البته به نظر نگارندگان زمانی که بازپرس به جهت اقناع موظف به اخذ آخرین دفاع بوده و باید یکی از قرارهای مذکور در قانون را صادر کند، دیگر وجهی برای تنافی اطلاع وکیل یا متهم از محتویات پرونده با کشف حقیقت وجود ندارد. بنابراین به نظر منظور اداره حقوقی تا تکمیل تحقیقات معنی پایان تحقیقات نیست، بلکه منظور تا زمان تکمیل تحقیقات پیش از اخذ آخرین دفاع است.

۲-۲-۲-۳- فقدان ضمانت اجرای حق دسترسی به محتویات پرونده

واقعیت امر این است که قانون گذار در خصوص ضمانت اجرای حق دسترسی به محتویات پرونده در حقوق کیفری ایران، سکوت کرده است، البته عدم رعایت حق تفهیم حق دسترسی به وکیل و حقوق اساسی و قانونی متهم یا سلب آن از وی، به تجویز مقرر در تبصره ۱ ماده ۱۹۰ اصلاحی ۱۳۹۴/۰۳/۲۴،

دانسته شده که متهم حق دارد تمام یا برخی از مدارک پرونده را در مرحله تحقیقات مقدماتی ملاحظه کند و چنانچه بازپرس بخواهد این حق را از او سلب کند، باید قرار عدم دسترسی صادر کند و متهم نیز می تواند به این تصمیم بازپرس اعتراض کند، اصل غیرترافی بودن تحقیقات مقدماتی به عنوان یکی از اصول آیین دادرسی کیفری ایران مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

اما مواد ۱۰۰، ۱۹۱ و ۱۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری، حرکت قانون گذار را به سمت تساوی سلاحها و ترافی شدن مرحله تحقیقات مقدماتی نشان می دهد دلیل این تساوی نیز تبصره ۱ ماده ۱۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری است که بر مبنای آنچه درخواست شاکی برای مطالعه پرونده و دسترسی به مدارک آن منافی با ضرورت کشف حقیقت باشد، بازپرس قرار رد درخواست شاکی را صادر می کند که شاکی ظرف ۳ روز می تواند به آن اعتراض کند. با توجه به قانون آیین دادرسی کیفری یکسانی حقوق شاکی و متهم در دسترسی به پرونده سیاست قانون گذار قرار گرفته است.

۵- انتقادی که به مواد ۳۵۱ و ۱۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ وارد می باشد، این است که قانون گذار این اختیار را به مقام قضایی داده که در صورتی که مطالعه یا دسترسی به اوراق پرونده را منافی با کشف حقیقت بداند، قرار رد درخواست مطالعه را صادر کند که این امر باعث می شود که قضات سلیقه ای عمل کنند و دسترسی و مطالعه هر پرونده ای را که می خواهند، با بهانه منافی بودن با کشف حقیقت ممنوع کنند. همچنین تبصره ۲ ماده مذکور و ماده ۱۹۱ به صورت کلی ارائه اسناد و مدارک طبقه بندی شده و اسناد حاوی مطالب مربوط به تحقیقات جرایم منافی عفت و جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی را به شاکی و متهم یا وکیل آنها ممنوع اعلام کرده است. این در حالی می باشد که تعریف خاصی از اسناد طبقه بندی شده در قانون وجود ندارد و هر سندی می تواند در این قالب قرار گیرد، همچنین جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی طیف وسیعی از جرایم را شامل می شود که این خود دست قاضی را باز گذارده تا بتواند اکثر جرایم را در قالب این تبصره قرار دهد و دسترسی به اوراق

صرفاً مستلزم مجازات انتظامی درجه سه و هشت مقرر شده است که باتوجه به اهمیت جرایم مزبور و مجازات سنگین و مؤثر مترتب بر آنها و پیامدهای فراگیر رسیدگی کیفری نسبت به آنها فاقد هرگونه تناسب و انطباقی نسبت به آن می‌باشد که شایسته تجدید نظر خواهد بود (ضرغامی، ۱۳۹۵: ۷۶). محکومیت انتظامی، مورد حکم واقع‌شدن از طریق دادگاه انتظامی است، در این نوع محکومیت، مرجع انتظامی حکم را صادر می‌کند. مجازات انتظامی درجه سه شامل کسر حقوق ماهانه تا یک‌سوم از یک‌ماه تا شش‌ماه است و مجازات درجه هشت، شامل انفسال موقت از یک‌ماه تا شش‌ماه است. باتوجه به این‌که یکی از این عناصر دادرسی عادلانه، حق دسترسی به اوراق پرونده می‌باشد، لازم است برای تضمین این حق ضمانت اجرا در نظر گرفته شود.

نتیجه‌گیری

دادرسی عادلانه که یکی از حقوق بنیادین بشر است که در قانون اساسی (اصول ۳۲، ۳۴ تا ۳۹) و سایر قوانین مورد تأکید قرار گرفته است. وجود دادگاه‌های صالح، مستقل و بی‌طرف، تساوی افراد در برابر قانون و دادگاه علنی‌بودن دادرسی، محاکمه سریع و بدون تأخیر موجه رسیدگی توسط قضات صالح و متخصصی، لزوم رعایت تضمین‌های شکلی و ماهوی مربوط به حقوق طرفین دعوا از مهم‌ترین معیارها و ضوابط حاکم بر دادرسی عادلانه است که در جرم امنیت‌محور نیز لازم است رعایت شود. با این وجود تحت تأثیر جرایم امنیت‌محور، برخی مؤلفه‌های دادرسی عادلانه با محدودیت‌هایی مواجه شده‌اند: دادرسی علنی و حق دسترسی وکیل و متهم به محتویات پرونده در مرحله تحقیقات مقدماتی، ازجمله این محدودیت‌هاست. مطابق اصل ۱۶۵ قانون اساسی: «علی‌رغم تأکید بر علنی‌بودن محاکمات، در آنجا که انجام آن به تشخیص دادگاه با نظم عمومی منافات داشته باشد، به‌خاطر منافع و حیثیات از آن صرف نظر می‌نماید.» جرایم علیه نظم عمومی، ازجمله این جرایم است. در این موارد، علنی‌بودن محاکمات فقط گاهی با امنیت عمومی منافات دارد، بدین‌معنی که طرح و رسیدگی به بعضی از مسائل در دادگاه در انظار عمومی موجب افشای موضوعاتی می‌شود که سری‌بودن آن، برای حفظ امنیت، ضرورت

اجتناب‌ناپذیر داشته باشد (نظیر رسیدگی به جرایم جاسوسی، نظامی و براندازی). علاوه‌بر این، در حقوق ایران حق مطالعه پرونده برای متهم و وکیل و دسترسی به آن پذیرفته شده است. ماده ۳۵۱ قانون آیین دادرسی کیفری به حق دسترسی شاکی و متهم به پرونده در مرحله رسیدگی در دادگاه اشاره دارد. این حق، اما با محدودیت‌هایی مواجه است. در مقام بیان استثناء، تبصره آن ماده مقرر می‌کند: «دادن تصویر از اسناد طبقه‌بندی‌شده و اسناد حاوی مطالب مربوط به تحقیقات جرایم منافی عفت و جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی ممنوع است.» بر همین اساس، یکی از این قرارهای صادره از سوی دادرس، قرار عدم دسترسی متهم یا وکیل وی به اسناد و مدارک موجود در پرونده است که در مواردی خاص صادر می‌گردد. اگر بازپرس، مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق، اسناد یا مدارک پرونده را با ضرورت کشف حقیقت مغایر بداند یا موضوع از جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور باشد، با ذکر دلیل، قرار عدم دسترسی به آنها را صادر می‌کند. این محدودیت‌ها مغایر دادرسی عادلانه است. پیشنهاد می‌شود در راستای کاهش تأثیر جرایم امنیت‌محور بر دادرسی عادلانه نخست این‌که حق اعتراض به عدم علنی‌شدن جلسه دادرسی پذیرفته شود؛ دوم برای عدم رعایت حق دسترسی وکیل و متهم به پرونده ضمانت اجرا تعیین شود، به‌نحوی که در صورت نقض این حق، تحقیقات باطل اعلام گردد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

- احسان پور، سیدرضا و قلی پور جمنانی، فرامرز (۱۳۹۸). «موانع - چالش‌ها و محدودیت‌های حق دسترسی به پرونده‌های قضایی». *مجله مطالعات فقه اقتصادی*، ۱(۲): ۱۲۰-۱۴۲.
- آخوندی، محمود (۱۳۹۲). *آیین دادرسی کیفری*. جلد پنجم، تهران: نشر میزان.
- جانی پور، مجتبی و قریب، رخساره (۱۳۹۶). «مطالعه تطبیقی قلمرو و معیارهای اعمال میانجی‌گری کیفری در حقوق ایران، انگلیس و بلژیک». *پرونده‌نامه حقوق کیفری*، ۱(۱۸): ۲۳۷-۲۵۸.
- جزایری، سیدعباس (۱۳۹۸). *امنیت قضایی در حقوق کیفری ایران و رویه دیوان اروپایی حقوق بشر*. چاپ سوم، تهران: انتشارات سامان دانش.
- حبیب‌زاده، محمدجعفر (۱۳۹۰). *اندیشه‌های حقوقی (مجموعه مقالات حقوق کیفری اختصاصی)*. چاپ اول، تهران: انتشارات نگاه بینه.
- خالقی، علی (۱۳۸۷). *آیین دادرسی کیفری*. چاپ سی و یکم، تهران: نشر شهر دانش.
- خالقی، علی (۱۳۸۸). «علنی بودن دادرسی در پرتو اسناد بین‌المللی و حقوق ایران». *مجله پژوهش‌های حقوقی*، ۳(۵): ۴۹-۲۹.
- خالقی، علی (۱۳۹۳). *آیین دادرسی کیفری*. چاپ سوم، تهران: انتشارات شهر دانش.
- رضانی، خیراله (۱۳۹۲). *افساد فی الارض از منظر فقه شیعه و قوانین جزایی ایران*. چاپ اول، تهران: انتشارات بخشایش.
- زراعت، عباس (۱۳۸۲). *اصول آیین دادرسی کیفری ایران*. چاپ اول، تهران: انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- ساقیان، محمدمهدی (۱۳۹۳). «تقویت حقوق و آزادی‌های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲». *نشریه پژوهش‌های حقوق کیفری*، ۲(۶): ۱۱۳-۱۳۶.
- سفید پری، پریسا (۱۳۹۳). «ضرورت اهتمام دستگاه قضا به رعایت حقوق متهم در تحقیقات مقدماتی با تأکید بر حق دسترسی به پرونده؛ رعایت حقوق متهم؛ تضمین کننده عدالت قضایی». *مجله شهر قانون*، ۳(۱۰): ۴۱-۴۲.
- شامبیانی، هوشنگ (۱۳۹۷). *حقوق کیفری اختصاصی*. چاپ بیستم، تهران: انتشارات مجد.
- ضرغامی، سیروس (۱۳۹۵). *نقش دادستان در ارتباط با ادله در دادرسی کیفری (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و آمریکا)*. چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
- غمامی، مجید و محسنی، حسن (۱۳۹۲). *آیین دادرسی مدنی فرامی، چاپ ششم، تهران: شرکت سهامی انتشار*.
- مجیدی، سیدمحمود (۱۳۸۶). *جرایم علیه امنیت*. چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- محمدی زاده کرمانی نژاد، مجتبی؛ بوستانی فرشته، زینب و شکری پور، یاسر (۱۳۹۴). «روند حق دسترسی به اوراق پرونده، در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲». *مراغه: همایش ملی قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ در بوته نقد*.
- معاونت آموزش قوه قضاییه (۱۳۸۴). *پاسخ به سؤالات قضایی مربوط به دادرسی*. چاپ اول، تهران: انتشارات قضا.
- مهاجری، علی (۱۳۹۹). *قانون آیین دادرسی کیفری در دادرسی*. جلد دوم، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات فکر سازان.
- موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۸۵). «درباره جاسوسی و خیانت به کشور». *نشریه آیین شهرپور*، ۵(۳۱-۳۰): ۱۸-۲۲.
- میرزاجانی، عباس (۱۳۹۳). *لایحه آیین دادرسی کیفری در آیین دادرسی عادلانه با نگاهی به اسناد بین‌المللی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قزوین: دانشگاه آزاد اسلامی.

- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۲). *حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی)*. جلد سوم، چاپ هفدهم، تهران: نشر میزان.
- میرمحمدصادقی، حسین و رحمتی، علی (۱۳۹۴). «مصادیق عدول از اصول کلی حقوق کیفری در جرایم علیه امنیت». *مجله راهبرد*، ۳(۷۶): ۳۲-۵.
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۶). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. جلد دوم، چاپ نهم، تهران: نشر میزان.
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۲). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، جلد دوم، چاپ هفتم، تهران: نشر میزان.
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۷۱). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. جلد دوم، چاپ سوم، تهران: نشر دادگستر.
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۸). *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات دادگستر.
- هدایتی‌چنانی، رحمان (۱۴۰۰). «بررسی جرم جاسوسی در حقوق بین‌الملل و قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح». *فصلنامه پژوهش و مطالعات علوم اسلامی*، ۳(۲۴): ۹۹-۱۱۱.
- همراهی، راضیه؛ قنبری، محمد و جعفری، جلال (۱۳۹۶). «تحلیل جرم شناختی کارکردهای جرایم مانع در حقوق شهروند مدار و حقوق امنیت‌محور با تأکید بر حقوق کیفری ایران». *مجله تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل*. ۴(۳۸): ۲۳۷ - ۲۶۰.
- یوسفلو، بهروز؛ لطفی، عبدالرضا و الهامی، رضا (۱۴۰۰). «ارزیابی رویکرد عدالت کیفری ایران در مواجهه با شروع به جرایم امنیتی و عضویت در دسته‌های غیرقانونی ضد امنیتی». *فصلنامه علمی مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، ۱۶(۴۶): ۷۶-۵۱.